

## اجتهاد گروهی

## نقد و معرفی کتاب

## «الاجتهاد الجماعی»

مهدی مهریزی

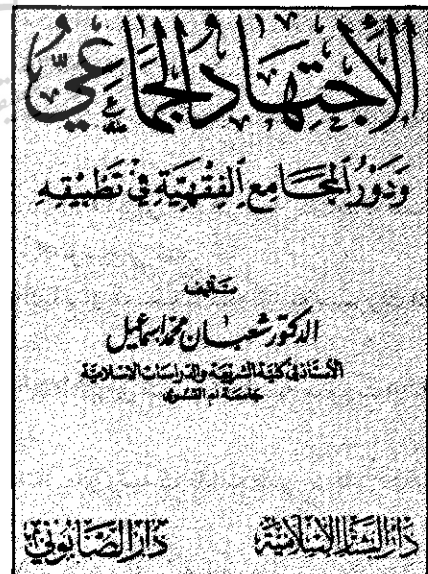
ضرورت اجتهاد در دین برای پویایی شریعت و راهبری زندگی عصری تردیدناپذیر، است. در گذشته تاریخ مسلمانان این عنصر دستمایه عالمان دینی در دین شناسایی بوده است و اگر برخی نحله های فکری بظاهر، منکر این حقیقت بودند در عمل نتوانستند بدان پایبند شوند. از این رو باب اجتهاد برای تمامی مذاهب فقهی گشوده بود، گرچه شدت و ضعف داشت. البته امروزه دیگر کسی حتی به ظاهر نیز منکر این ضرورت نیست.

آنچه در دوره معاصر فقه اسلامی در تمامی مذاهب رُخ نموده، حقیقتی فراتر از اصل اجتهاد است. سخن امروز، هدایت اجتهاد به سمت اجتهاد جمعی و شورایی است. این پدیده همزمان در میان اندیشمندان شیعی و اهل سنت مطرح شده است. برخی از اندیشمندان شیعی که بدان توصیه کرده و یا آن را لازم شمرده اند، عبارتند از: شهید مطهری،<sup>۱</sup> آیت الله طالقانی،<sup>۲</sup> استاد محمدرضا حکیمی،<sup>۳</sup> شهید آیت الله مصطفی خمینی<sup>۴</sup> و حسین نجومیان.<sup>۵</sup>

و از عالمان اهل سنت که بدین نظریه توجه کرده اند، می توان از دکتر مصطفی شبلی،<sup>۶</sup> دکتر یوسف القرضاوی<sup>۷</sup> و مناع خلیل القطان<sup>۸</sup> نام برد.

شهید مطهری در لزوم مشورت های فقهی می گوید:

پیشنهاد دیگری هم دارم که عرض می کنم و معتقدم این مطالب هر اندازه گفته شود بهتر است و آن اینکه در دنیا در عین این که رشته های تخصصی در همه علمها پیدا



الاجتهاد الجماعی و دور المجامع الفقهية فی تطبیقه،  
دکتر شعبان محمد اسماعیل (اول: بیروت - سوریه،  
دار البشائر الاسلامیة - دار الصابونی، ۱۴۱۸ ق -  
۱۹۹۸ م)، ۲۳۱ ص.

۱. مرجعیت و روحانیت، ص ۶۳.

۲. همان، ص ۲۰۱-۲۱۱.

۳. آینه پژوهش، ش ۱۰، ص ۶۵.

۴. تحریرات فی الاصول، ج ۲، ص ۵۲۴.

۵. زمینه حقوق تطبیقی، ص ۱۰۵-۱۰۷ و نیز ر. ک: مرجعیت و روحانیت، ص ۲۱۶-۲۳۱؛ الاجتهاد والتقلید والاتباع والنظر، ص ۱۷۷-۱۹۶؛ شوری الفقهاء؛ مرتضی الشیرازی. آینه پژوهش، ش ۳۶، ص ۲۴؛ تقدونظر، ش ۱۱، ص ۱۵۶ و ۱۶۱.

۶. فقه الاسلامی بین المثالیة والواقعیة، ص ۲۲۰-۲۲۱.

۷. الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیة، ص ۱۸۲-۱۸۴.

۸. تاریخ التشريع الاسلامی، ص ۴۲۲-۴۲۳.

و علمی تری است که مسلماً تطبیق بیشتری با واقع خواهد داشت و احتمال خطای آن با مقایسه به وضع موجود کمتر است.

۶. این روش مخالف روش تبعیت از اعلم نیست، بلکه در شکل کامل تر، واقع جویی و واقع یابی است.<sup>۹</sup> شهید آیت الله مصطفی خمینی درباره اجتهاد جمعی و شورایی می نویسد:

در دوران ما باید توجه تام به مشارکت علمی داشت ... تبادل نظر و مشارکت در آراء فقهی را بهای فراوان باید داد تا مردم گرفتار اختلاف و مفاسد واقعی نشوند ... بر این اساس حجیت فتوای فقیهان معاصر دچار اشکال است، به سبب همین عدم مشارکت و دوری از تبادل نظر می بینیم که برخی از فقها در طول زندگانی علمی خویش چقدر تبدیل رأی دارند. بر این اساس، نشستن در کُنج خانه و فتوا دادن بر اساس اندیشه های فردی با وجود مشکلات علمی عصر، و معضلات فنی بسیار، روشی عقلایی نیست.<sup>۱۰</sup>

این دیدگاه ها که به اجمال نقل شد، نشان دهنده واقع بینی، آینده نگری، زمان شناسی صاحبان آن است، بویژه که برخی از این آرا پیش از سی سال قبل مطرح شده است. ولی در این آرا بیش از طرح ضرورت مسأله، به امر دیگری پرداخته نشده و شرایط و مکانیسم اجرای آن اصلاً منظور نبوده است.

در حوزه اندیشه اهل سنت تاکنون گفته های پراکنده ای پیرامون ضرورت اجتهاد جمعی عرضه گشته و اینک تمامی آنها با تحلیل و تفسیرهایی در کتابی به نام **الاجتهاد الجماعی** نشر یافته است.

کتاب «الاجتهاد الجماعی و دور المجامع الفقهية في تطبیقه» نوشته دکتر شعبان محمد اسماعیل اولین کتاب مستقلی است که به این موضوع اختصاص یافته و چند ماهی از نشر آن می گذرد.

دکتر شعبان اسماعیل استاد دانشکده شریعت و دروس اسلامی در دانشگاه ام القری و صاحب تألیف است. از کتب دیگر او می توان «اصول الفقه و رجاله»، «الاحادیث القدسیة و منزلتها فی التشریح» را نام برد.

وی کتابش را در سه فصل تنظیم کرده است. در فصل نخست به مباحث کلی اجتهاد پرداخته و فصل دوم را به اصل مسأله اجتهاد جمعی اختصاص داده و در فصل سوم نقش مجامع

شده و موجب پیشرفت ها و ترقیات محیرالعقول شده یک امر دیگری نیز عملی شده که به نوبه خود عامل مهمی برای ترقی و پیشرفت بوده و هست، و آن موضوع همکاری و همفکری بین دانشمندان طراز اول و صاحب نظران هر رشته است، در دنیای امروز دیگر فکر فرد و عمل فرد ارزش ندارد، از تک روی کاری ساخته نیست، علما و دانشمندان هر رشته دائماً مشغول تبادل نظر با یکدیگرند، محصول فکر و اندیشه خود را در اختیار سایر اهل نظر قرار می دهند. ... اگر شورای علمی در قفالت پیدا شود و اصل تبادل نظر به طور کامل جامه عمل بپوشد، گذشته از ترقی و تکاملی که در فقه پیدا می شود، بسیاری از اختلاف فتواها از بین می رود، چاره ای نیست، اگر مدعی هستیم که فقه ما نیز یکی از علوم واقعی دنیاست، باید از اسلوب هایی که در سایر علوم پیروی می شود پیروی کنیم، اگر پیروی نکنیم معنایش این است که از ردیف علوم خارج است.<sup>۹</sup>

مرحوم طالقانی نیز پیشنهاد شورای فقاهت را چنین مطرح می کند:

بنابر آنچه بیان شد، پیشنهاد می شود که شورای فتوایی به ریاست یک یا چند تن از علمای بزرگ و مورد قبول عامه، در یکی از مراکز علمی در هر ماه یا چند ماه یک بار تشکیل شود و مسائل اختلافی و موضوعات روز، یا به اصطلاح روایت، حوادث واقعه در شورای مزبور مطرح گردد و از مجتهدین اطراف و شهرستانها دعوت شود، تا موارد ابتلا و نظر خود را با دلایلی که دارند ابراز دارند و ضمناً این مسائل را در حوزه علمیه خود ضمن درس برای طلاب، به بحث گذارند، سپس نتیجه آرا اعلام گردد. این عمل موافق نقلی است که از حضرت صادق (ع) رسیده که هر سال فقها و شاگردان خود را در منی جمع می کرد و مسائلی را برای آنها مطرح می فرمود.<sup>۱۰</sup>

برخی دیگر از صاحب نظران پس از بررسی جنبه های علمی این نظریه خلاصه رای خود را چنین ابراز داشته اند:

۱. توجه به مقدمات گذشته نتایج ذیل به دست می آید:
۱. تقلید، جز اصل پیروی نادان از فرد دانا نیست.
۲. و در شرع صورت خاص و شکل معینی پیدا نکرده.
۳. و به همین جهت دارای دوره ها و شکل های مختلفی بوده که آخر آنها همین شکل تقلید اعلم است.
۴. لذا اگر شکل بهتر و علمی تری برای تحقق دادن به این اصل پیدا شود، باید از آن شکل پیروی نمود.
۵. ایجاد شورای فتوا و تبعیت از رأی اکثریت شکل بهتر

۹. مرجعیت و روحانیت، ص ۶۳-۶۵.

۱۰. همان، ص ۲۱۰-۲۱۱.

۱۱. همان، ص ۲۲۶.

۱۲. تحریرات فی الاصول، ج ۲، ص ۵۲۴.

و مراکز فقهی را در تحقق اجتهاد جمعی گوشزد کرده است.

وی در فصل اول از تعریف اجتهاد، اقسام اجتهاد، مشروعیت اجتهاد در اسلام، شرایط مجتهد، و نقض اجتهاد سخن رانده است. از مباحث قابل توجه در این فصل دیدگاه مؤلف نسبت به برخی شرایط مجتهد است. وی حریت و ذکورت را در مجتهد شرط ندانسته و نمونه های تاریخی را سند می آورد. (ص ۳۶)

دیگر آنکه شناخت مردم و آگاهی از زندگی اجتماعی آنان را از شرایط مجتهدان می داند و سخنانی را در تایید این نظر از عالمان قدیم و جدید اهل سنت، شاهد می آورد.

وی پس از نقل قول هایی اضافه می کند که:

واكثر من ذلك ان نقول: ان على المجتهد ان يكون ملماً بثقافة عصره، حتى لا يعیش منعزلاً عن المجتمع الذي يعيش فيه ويجتهد له ويتعامل مع اهله.

ومن ثقافة عصرنا اليوم: ان يعرف قدراً من علوم النفس والتربية والاجتماع والاقتصاد والتاريخ والسياسة والقوانين الدولية ونحوها من الدراسات الانسانية، التي تكشف له الواقع الذي يعاشيه ويعامله.

بل لا بد له - كذلك - من قدر من المعارف «العلمية» مقل: «الاحياء» و «الطبيعة» و «الكيمياء» و «الرياضيات» و نحوها، فهي تشكل ارضية ثقافية لازمة لكل انسان معاصر. (ص ۴۱)

بیش از آن می گویم که: بر مجتهد است که با فرهنگ زمانش آشنا باشد، تا از جامعه ای که در آن زندگی می کند و با آنان همکاری دارد و اجتهادش برای آنهاست، جدا نباشد.

امروزه شناخت بخشی از مسائل روانشناسی، تعلیم و تربیت، جامعه شناسی، اقتصاد، تاریخ، علم سیاست، حقوق بین الملل که وضعیت دنیای کنونی را آشکار می سازد، جزء فرهنگ عصری است که [مجتهد باید از آن آگاه باشد].

همچنین مجتهد باید مقداری از علوم دیگر، چون زیست شناسی، شیمی، ریاضیات و مانند آن را بداند و از سطح لازم فرهنگ روز برخوردار گردد.

فصل دوم که اساس مباحث این کتاب را تشکیل می دهد در سه محور جای می گیرد. در محور اول نویسنده در صدد است که جواز اجتهاد جمعی را نشان دهد و در این زمینه از وقوع چنین اجتهادی در عصر پیامبر (ص)، صحابه، تابعین، عصر مذاهب فقهی و دوران معاصر نمونه هایی را سند و شاهد می آورد. پس از آن ضرورت اجتهاد شورایی و گروهی در دوران معاصر را باز

می گوید و به چند عامل اشاره می کند:

۱. ظهور پدیده هایی که بر اثر رشد و تطور زندگی اجتماعی حاصل شده مانند بانکداری، بیمه، شرکت های سرمایه گذاری، بورس و ...

۲. ظهور تخصص ها در زمینه های گوناگون علمی.

۳. پدید آمدن اختلافات فراوان بر اثر اجتهاد فردی. و آنگاه نتیجه می گیرد که حوزه مباحثی که به جمهور مرتبط است و سابقه دار نیست، جای اجتهاد فردی نمی تواند باشد.

... و منها ما يتعلق بجمهور الناس ويتسم بسمة العموم

ولم يتقدم له نظير في ابواب الفقه، او اتسم ببعض السمات التي تغير وصفه فهذا لا يكفي فيه رأى الفرد، بل لابد فيه من الاجتهاد الجماعى، لانه يكون اقرب الى الصواب، وابعده عن اختلاف الاراء، وابقاع الامة في حيرة من امرها. (ص ۱۱۹)

برخی از آنچه در قلمرو اجتهاد جمعی جای می گیرد، عبارت است از آنچه به مردم برمی گردد و وجهه عمومی دارد و مانند در ابواب فقه برایش نیست یا شکل گذشته اش را از دست داده است، در این گونه مسائل رأى فرد در آن کافی نیست بلکه باید با اجتهاد جمعی بدان رو کرد و این به درستی نزدیک تر و از اختلاف و تفرقه و حیرت عمومی دورتر خواهد بود.

پس از این به نقل دیدگاه های تنی چند از عالمان معاصر اهل سنت می پردازد و سخنان عبدالوهاب خلاف، شیخ علی حبیب الله، احمد محمد شاکر، یوسف قرضاوی، ذکریا البری، محمد الدسوقی را می آورد.

از این میان سخنان «البری» قابل درنگ است. وی به مکانیسم تحقق اجتهاد جمعی پرداخته و چند امر را در این زمینه لازم می داند.

۱. شرایط مجتهدان را نخست حاکم صالح معین می کند و سپس به خود این گروه برگزیده سپرده می شود.

۲. باید این گروه مجتهدان، مشاوران و متخصصین را در رشته های مختلف علوم بهمراه داشته باشند.

۳. در صورت اختلاف آرای رأى اکثریت پذیرفته شده زیرا به صواب نزدیک تر است.

۴. حاکم باید رأى این گروه مجتهدان را قانونی کرده تا اجرا گردد. (ص ۱۳۱-۱۳۳)

فصل سوم کتاب به نقش مجامع و مراکز فقهی در تحقیق و تطبیق اجتهاد جمعی اختصاص دارد. وی معتقد است مسؤلان برخی دولت های اسلامی سنت سلف را احیاء کرده و مجموعه هایی علمی شکل دادند که مسائل امت اسلامی را در

نویسنده در خاتمه کتاب فشرده مطالب را چنین باز گفته است:

۱. شریعت اسلامی قابلیت حضور در تمامی ادوار زندگی بشر را دارد.
۲. باب اجتهاد در شریعت اسلامی گشوده است.
۳. اجتهاد با توجه به روح و اهداف شریعت و قواعد عمومی شکل می گیرد.
۴. ضرورت نیاز به فتح باب اجتهاد در عصر حاضر بر کسی پوشیده نیست، بویژه اجتهاد گروهی.

۵. اجتهاد جمعی در تمامی دوره های فقه اسلامی پا به پای اجتهاد فردی حضور داشته است.
۶. مجامع فقهی نقشی بارز و روشن در تطبیق اجتهاد گروهی دارد.

در خاتمه این گزارش مختصر از کتاب، لازم است چند نکته را یادآوری کرد:

۱. همه دیدگاه های نویسنده در کتاب مورد تایید نیست؛ برای نمونه مسأله خلافت پس از پیامبر را از نمونه های اجتهاد جمعی می داند که به هیچ روی با نصوص مسلم اسلام سازگاری ندارد.
۲. سعی مؤلف در پیشگامی ارائه نوشته ای مستقل در حوزه اجتهاد جمعی مشکور است و باید متفکران و اندیشمندان و فقیهان به جد این مبحث را پی گرفته و نقاط مبهم آن را به بحث گذارند.

۳. آنچه پس از این مهم است تبیین مکانیسم به کارگیری اجتهاد جمعی و شیوه عملی به کارگیری آنست و این در گرو دست یابی به پاسخ پرسش هایی از این قبیل است:

- الف. تعیین حوزه اجتهاد فردی و جمعی به صورتی شفاف و روشن.
- ب. چگونگی شکل گیری و شرایط و تعداد مجتهدان و فقیهان.
- ج. نحوه قانونی شدن مصوبات و آرای صادره.

۴. همچنین این بحث امروزه، نسبت به «شورای نگهبان» در جمهوری اسلامی ایران مطرح است که آیا نوعی اجتهاد گروهی در مسائل جمعی نیست. و در این صورت رابطه اش با استنباط سایر فقها و مراجع تقلید چگونه باید باشد. به هر حال این مسأله یکی از ضروری ترین مباحث در حوزه اندیشه های فقهی به شمار می رود و بر عالمان و اندیشمندان است که به جد آن را پی گیرند و به مباحث آن سامان بخشند.

پرتو کتاب و سنت و روح و مقاصد شریعت بررسی کنند. از این مجموعه ها تاکنون سه مرکز شکل گرفته است:

۱. مجمع البحوث الاسلامیه در الازهر.
  ۲. المجمع الفقهی لرابطة العالم الاسلامی در مکه.
  ۳. المجمع الفقهی التابع لمنظمة المؤتمر الاسلامی در جدّه.
- آنگاه گزارشی کوتاه از این سه مجموعه ارائه می کند.

### ۱. مجمع البحوث الاسلامیه

در سال ۱۳۸۱ق- ۱۹۶۱م قانونی در زمینه بازسازی الازهر در مصر به تصویب رسید که در آن سازمانی به نام مجمع البحوث الاسلامیه پیش بینی شد. اعضای این مجمع پنجاه تن از بزرگان علمای اسلام از تمامی مذاهب خواهند بود و ریاست آن را رئیس الازهر بر عهده دارد.

اولین نشست این مجمع در سال ۱۳۸۳ق- ۱۹۶۴م برگزار شد و با صدور بیانیه ای پایان یافت. دومین نشست آن در سال ۱۳۸۵ق- ۱۹۶۵م تشکیل گردید و مصوباتی در زمینه های اقتصادی چون: بیمه، بانکداری، زکات و صدقات و خانواده و جوانان مانند: تعدد زوجات، طلاق، کنترل جمعیت، تربیت جوانان و مسائل اجتماعی داشت. سومین نشست که در ۱۳۸۳ق- ۱۹۶۶م برگزار گردید مصوبه هایی در زمینه بیمه و بانکداری، آغاز ماه های قمری و قربانی در مکه به همراه داشت.

### ۲. المجمع الفقهی

این سازمان وابسته به رابطه العالم الاسلامی در مکه مکرمه است که در سال ۱۳۹۸ق پا گرفت. این مجمع تاکنون چهارده دوره نشست علمی را برگزار کرده و در هر کدام مسائل مختلفی را مورد بحث و بررسی قرار داده و درباره آن تصمیم گیری کرده است. مسائلی چون: پیوند اعضای انسانی به انسان دیگر، اختلافات مذهبی، تشریح بدن مرده و تغییر جنسیت را در دستور کار داشته است.

### ۳. المجمع الفقهی

این مرکز وابسته به کنفرانس اسلامی است که در سومین کنفرانس در سال ۱۴۰۱ق- ۱۹۸۱م تصویب شد. اولین کنفرانس آن در سال ۱۴۰۳ با سخنرانی ملک فهد گشوده شد. این مجمع دارای اساسنامه ای در چهار باب و ۲۵ ماده می باشد. تاکنون نه کنفرانس برگزار کرده و مباحثی چون بهره بانکی، اطفال آزمایشگاهی و ... را در دستور کار داشته است.

